لندن ۲۳ ژوئن ۱۹۹۴

دوست عزیز هنرمندم سیمین خانم

با سلام پر مهر و احترام به شو و نویسنده ارجمندتان آقای [illegible] صادقی و البته به یار زیبای شاعر و ناجی عزیز. برای همه شما تندرستی و موفقیت های درخشان آرزو می کنم

ببخشید که اینقدر دیر پاسخ نامه تان را می نویسم. چندین ماه در لندن نبودم. تازه برگشته ام. توفیقی دست داد که برای سومین بار بخوانم و به شما آفرین بگویم و چه بسا در یک محفل ادبی اینجا آنرا معرفی کنم.

ضمناً می خواهم از شما دو معلم عزیزم خواهش کنم دو شعر "راه" و "مشکل ورود" را ابتدا در "خروش خاموش" بخوانید و سپس مجله چیستا (دی ~~[illegible]~~ ۷۲ ژانویه - فوریه ۱۹۹۴ شماره ~~[illegible]~~ ۴ و ۵) و نشر جهان مجله (شماره ۶ و ۷ مارس - آوریل ۱۹۹۳) را از نظر بگذرانید و ببینید مشکل شعر چه بلائی بر سر ژاله ~~[illegible]~~ آورده است. با مرده چنین نمی کنند!

با وجود دو سه بار خواهش و تذکر دادن برای رفع اشتباه خودشان هم هیچ اقدامی نکردند و همچنین هم ~~[illegible]~~ از حق یک گوینده دور [illegible] دفاع ~~[illegible]~~ نکرد. عجب دنیای هنری سردی ما داریم! من اگر به شخص آقای شهریاری و مجله چیستا احترام و اعتماد نداشتم هرگز شعرهایم را نمی فرستادم چون اصولاً دوست ندارم در رسانه ها شعر چاپ کنم. آنها از من ~~[illegible]~~ چند بار که شعر مرا گرفتند یا از کجاها هم بیرون دارند.

بعلاوه ~~[illegible]~~ ببخشید که شما و همسر محترمتان را با ناراحتی هایم ~~[illegible]~~ ناراحت کردم اما به خود حق می دادم که از شما دو دوست عزیز ~~[illegible]~~ این را بخواهم که به چیستا تذکر بدهید. از آقای دکتر ایرج واعظی ~~[illegible]~~

با آرزوی اینکه همیشه سرشار از شعر و شادی باشید ~~[illegible]~~

ژاله

برای "دشتکی" خیلی بجا [illegible] خواستند. هرچند دلم می خواست نشانی آقای دکتر واعظی را داشتم تا برای دو کتابی که برایم فرستاده تشکر کنم و شاید برایشان کتاب بفرستم
نامه بنویسید که شادم خواهید کرد.